



ارزش در فلسفه اخلاق

کلیدواژه: ارزش اخلاقی عقل ارزش خوب مطلوبیت بد حسن فعلی حسن فاعلی

پرسش: آیا واژه «ارزش» در فلسفه اخلاق قابل تعریف است؟ ملاک و معیار ارزش اخلاقی چیست؟

پاسخ: ارزش در لغت به معنای «قیمت»، «بها»، «ارج»، «برازندگی» و «شایستگی» است، اما در فلسفه اخلاق تعریف معین و آسانی برای ارزش بیان نشده است، بلکه تنها می‌توان با تحقیق و پژوهش موارد کاربرد آن به مصداق‌ها و در حد امکان ملاک‌ها و معیارهای آن دست یافت؛ لذا با توجه به موارد کاربرد خود واژه «ارزش»، چند ملاک را برشمردیم: ۱. مطلوبیت؛ ۲. کمال؛ ۳. محبوب بودن؛ ۴. سودمندی و ثمرات مترتب؛ ۵. زیبایی و...
اما درباره ارزش اخلاقی از دیدگاه دین این امور را ذکر کرده‌اند: ۱. هماهنگی با فطرت الهی؛ ۲. هماهنگی با من برتر (من علوی)؛ ۳. سازگاری و هماهنگی با عاطفه بشری؛ ۴. تجلی اسماء و صفات الهی در انسان؛ ۵. عبودیت و بندگی الهی و درک آن.

فهرست مندرجات

۱ - ملاک در تشخیص ارزش‌ها

۲ - تعریف پذیری واژه ارزش

۳ - ملاک و معیار ارزش اخلاقی

۴ - نکته‌ها

۴.۱ - ملاک ارزشی بودن اخلاق

۴.۲ - مقام عبودیت

۴.۳ - شرط دست یابی به ارزش‌ها

۴.۴ - جایگاه عقل در کشف ارزش‌ها

۵ - پانویس

۶ - منبع

ملاک در تشخیص ارزش‌ها

یکی از واژه‌هایی که در گزاره‌های اخلاقی و مباحث مربوط به **اخلاق** به کار می‌رود، واژه «ارزش» است. ارزش در لغت به معنای «قیمت»، «بها»، «ارج»، «برازندگی» و «شایستگی» است.
[۱] لغت نامه دهخدا، واژه «ارزش».

در فلسفه اخلاق نیز از واژه ارزش این گونه بحث می‌شود که؛ همه مردم در زندگی، به داوری اخلاقی می‌پردازند و بعضی چیزها را بد، نادرست و ناحق و برخی امور را خوب، درست و بحق می‌خوانند. چگونه است که رفتاری را خوب (پسندیده) و رفتار دیگری را بد (ناپسند) می‌دانیم؟ از چه طریقی می‌توان به ملاک و معیار درستی در ارزش گذاری اخلاقی اعمال دست یافت؟ این مسئله از دیرباز توجه فیلسوفان اخلاق را به خود جلب کرده است. آنان اغلب هدف خود از مباحث اخلاقی را رسیدن به نوعی معرفت کلی و سرنوشت ساز از بایستگی و ناپایستگی و خوبی و بدی اخلاقی دانسته‌اند. تلاش برای دست یابی به ملاکی عام در تشخیص ارزش‌های اخلاقی، یکی از بنیادی‌ترین مباحث اخلاق هنجاری بوده و موجب پیدایش آرا و دیدگاه‌های متعددی گردیده است.
[۲] جمعی از نویسندگان، فلسفه اخلاق، ص ۵۵، قم، نشر معارف.

تعریف پذیری واژه ارزش

بررسی تعریف پذیری واژه «ارزش» در فلسفه اخلاق؛ در فلسفه اخلاق؛ درباره واژه «ارزش» دو پرسش بنیادین مطرح است:
۱. مفاد و معنای این واژه چیست؟ یعنی وقتی گفته می‌شود «راست گویی ارزش اخلاقی دارد» و یا «گزاره عدالت خوب است، یک گزاره ارزشی است» مراد چیست؟
۲. ملاک و معیار ارزش در اخلاق چیست؟ یعنی به چه معیار و ملاکی راست گویی ارزش اخلاقی دارد، ولی پیاده روی معمولی این ارزش را ندارد؟
در فلسفه اخلاق؛ تعریف معین و آسانی برای ارزش ارائه نشده است، بلکه تنها می‌توان با کاویدن موارد کاربرد آن به مصداق‌ها و در حد امکان ملاک‌ها و معیارهای آن دست یافت.

با توجه به موارد کاربرد واژه خود «ارزش»، می‌توان چند ملاک برای آن برشمرد: ۱. مطلوبیت؛ ۲. کمال؛ ۳. محبوب بودن؛ ۴. سودمندی و ثمرات مترتب؛ ۵. زیبایی و...
[۱] معلمی، فلسفه اخلاق، ص ۲۲، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

اما درباره «ارزش اخلاقی» از منظر دین اسلام نیز می‌توان این امور را بیان کرد: ۱. هماهنگی با **فطرت الهی**؛ ۲. هماهنگی با من برتر (من علوی)؛ ۳. سازگاری و هماهنگی با عاطفه بشری؛ ۴. **تجلی اسماء و صفات الهی** در انسان؛ ۵. **عبودیت** و بندگی الهی و درک آن.
[۲] معلمی، فلسفه اخلاق، ص ۲۲، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

نکته‌ها

برای فهم بهتر ملاک «ارزش اخلاقی» توجه به نکاتی ضروری به نظر می‌رسد:

← ملاک ارزشی بودن اخلاق

صرف حضور یک صفت، دلیل بر ملاک بودن «ارزش اخلاقی» از دیدگاه دین نیست؛ از این رو مثلاً اگر کسی «مطلوبیت» را به تنهایی ملاک ارزش بداند، گرفتار **مغالطه** شده است؛ زیرا امکان دارد چیز دیگری؛ مانند **کمال**، محبوبیت و یا سودمندی، ملاک ارزش باشد. پس مطلوب بودن به تنهایی ملاک ارزش اخلاقی نیست. بلکه باید با ملاک‌های دیگر ارزش اخلاقی در دین؛ مانند هماهنگی با فطرت الهی سنجیده شود؛ زیرا با توجه به میانی صحیح عقلی و دینی؛ هماهنگی با فطرت الهی و انسانیت انسان (عاطفه، من برتر، الزامات نفسانی و...) تجلی اسما و صفات الهی و کمالات مترتب و عبودیت و بندگی و درک مقام الهی و رسیدن به این نکته که هر چیز غیر او هیچ است، بهترین ملاک‌های ارزشی بودن اخلاق و اخلاقیات است.

[۳] معلمی، فلسفه اخلاق، ص ۲۲، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

[۴] یختیار نصر آبادی، حسن علی، بیات، مریم، شیوه‌های تثبیت ارزش‌های اخلاقی در قرآن، ص ۳۹-۶۶، مجله اخلاق، سال دوم، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۸.

← مقام عبودیت

مصادیق ارزشی گاهی **ارزش ذاتی** دارند و گاهی **ارزش مقدمی**؛ یعنی مقدمه ارزش بالاتری هستند. به عنوان مثال؛ دفاع در مقابل دشمن و **استقلال**، هر دو ارزشمندند ولی **دفاع**، دارای ارزش مقدمی است؛ زیرا مقدمه استقلال و یا حافظ آن است، ولی استقلال نسبت به دفاع این حالت را ندارد، اگرچه مقدمه یک ارزش بالاتر باشد. به همین دلیل، بالاترین ارزش و ارزش اصیل در اخلاق را می‌توان نمود اسما و صفات الهی و مقام عبودیت دانست.

← شرط دست یابی به ارزشها

فاعل مختار، به دو شرط به ارزش‌های اخلاقی دست می‌یابد:

الف. فعل او به خودی خود، خیر و دارای ارزش مثبت باشد؛ که به ارزش‌های ذاتی و غایات مطلوب و هماهنگی با **فطرت الهی** و امثال آن وابسته است. برای نمونه؛ ارزش راست گویی - با قطع نظر از فاعل آن - به میزان هماهنگی آن با روح ملکوتی و تاثیرگذاری آن در به دست آوردن کمالات معنوی و صفات الهی است.

ب. این فعل با نیت پاک و خالص انجام شود.

[۵] مصباح، مجتبی، نقش نیت در ارزش اخلاقی، مجله اخلاق و حیانی، ص ۸۱-۱۰۴، سال اول، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲.

در فلسفه اخلاق اسلامی، برای ارزش داشتن یک رفتار و عمل اخلاقی، هم **حسین فعلی** لازم است و هم **حسین فاعلی**. مراد از حسین فعلی این است که صورت و جرم فعل باید متناسب با **نیت** خیر باشد، نه این که کاملاً با آن ناهمگون و نامتناسب باشد؛ مثلاً، کسی که نیت نیکی کردن به کودک یتیمی دارد، نباید به او سیلی بزند؛ چون سیلی زدن با نیت خیر نسبت به کودک یتیم سازگاری ندارد (مگر در موارد نادری که برای تادیب باشد). مراد از حسین فاعلی هم این است که فاعل باید مقصودش از انجام عمل، خیر باشد؛ مثلاً، کسی که به دیگری **سلام** می‌کند، وقتی سلام او ارزش اخلاقی دارد که مقصود گوینده، ادای احترام باشد، نه **تملق** یا **تمسخر**. درست است که ظاهر عمل سلام کردن، دارای حسن است، اما حسن اخلاقی وقتی است که با نیت ارزشمند همراه باشد.

[۶] **غرویان، محسن، فلسفه اخلاق، ص ۱۲۳-۱۲۴، قم، نشر بیک جلال، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.**

← جایگاه عقل در کشف ارزشها

گفتنی است؛ در این میان، بحث درباره جایگاه **عقل** در کشف ارزش‌های اخلاقی، از اهمیت بیشتری برخوردار است. این بحث، دیرینه‌ای فرقه ساز در میان اندیشمندان اسلامی داشته است. **امامیه** و **معتزله**، از توانایی عقل در کشف ارزش‌های اخلاقی دفاع کرده‌اند؛ اما **اشاعریه** عقل را از ابزار معرفت اخلاقی به شمار نیاورده و **شرع** را یگانه راه کشف و فهم اخلاقیات دانسته‌اند. هریک از طرفین برای تثبیت دیدگاه خود و رد دیدگاه مقابل، ادله‌ای اقامه کرده‌اند.

[۷] شریفی، احمدحسین، نقش عقل در کشف ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، مجله معرفت اخلاقی، ص ۵-۱۴، سال

پانویس

۱. [↑](#) لغت نامه دهخدا، واژه «ارزش».
۲. [↑](#) جمعی از نویسندگان، فلسفه اخلاق، ص ۵۵، قم، نشر معارف.
۳. [↑](#) معلمی، فلسفه اخلاق، ص ۲۲، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
۴. [↑](#) معلمی، فلسفه اخلاق، ص ۲۲، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
۵. [↑](#) معلمی، فلسفه اخلاق، ص ۲۳، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
۶. [↑](#) بختیار نصر آبادی، حسن علی، بیات، مریم، شیوه‌های تثبیت ارزش‌های اخلاقی در قرآن، ص ۳۹-۶۶، مجله اخلاق، سال دوم، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۸.
۷. [↑](#) مصباح، مجتبی، نقش نیت در ارزش اخلاقی، مجله اخلاق و حیانی، ص ۸۱-۱۰۴، سال اول، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲.
۸. [↑](#) **غروبان، محسن، فلسفه اخلاق، ص ۱۲۳-۱۲۴، قم، نشر بیک جلال، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.**
۹. [↑](#) شریفی، احمدحسین، نقش عقل در کشف ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، مجله معرفت اخلاقی، ص ۵-۱۴، سال سوم، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۱.

منبع

[بایگاه اسلام کوئست برگرفته از مقاله «ارزش در فلسفه اخلاق»، تاریخ بازبینی ۱۳/۸/۱۳۹۴.](#)